

بررسی مؤلفه‌های فمینیستی در رمان‌های «عادت می‌کنیم» از زویا پیرزاد
و «دفترچه ممنوعه» از آلبا دسس پدس

طاهره رضوانی گیل کلایی^۱، علی دهقان^{۲*} و علی فرضی^۳

چکیده

ادبیات هر کشور چون آینه‌ای است که بازتاب مسائل و مشکلات زنان آن جامعه است و از این جهت تفاوتی در مکان و زمان و زبان و فرهنگ ملت‌ها و امت‌ها وجود ندارد؛ لذا هر کدام از این آثار، در دل خود پرده از مشکلات زنان در برهه‌ای از زمان برداشته است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، به بررسی مؤلفه‌های فمینیستی بر اساس دو رمان «عادت می‌کنیم» از زویا پیرزاد و «دفترچه ممنوعه» از آلبا دسس پدس (از دو کشور ایران و ایتالیا) می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دفاع از حقوق زن، مسأله آزادی در انتخاب شغل و تلاش برای حفظ آن، تلاش برای کسب هویت جدید، ایستادگی در برابر تهدید و تحقیر و مبارزه با مردسالاری، بی‌توجهی و خشونت علیه زنان و... از مؤلفه‌های فمینیستی رمان‌های یاد شده است و زنان در این آثار با انواع بی‌مهری‌ها، ستم و نادیده گرفتن حق انسانی مواجه بوده و برای رسیدن به حقوقی موازی با مردان، ناگزیر از شکستن تبعیضات و نابرابری‌های جنسی می‌شوند، اما سرانجام خیلی مثبت و اثرگذاری ندارند.

کلید واژه‌ها: فمینیسم، عادت می‌کنیم، دفترچه ممنوعه، زویا پیرزاد، آلبا دسس پدس.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

nahidrezvanigk@gmail.com

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

aaadehghan@gmail.com

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. hreza2007@yahoo.com

۱- مقدمه

از دیرباز ادبیات، آیینه زندگی فردی، اجتماعی و حتی دینی بوده و در هر صفحه آن اعم از شعر و نثر، هویت یک جامعه نهفته است، تا جایی که می‌توان برای شناخت یک دوره کهن، به جای تاریخ، ادبیات زمان مربوطه را بررسی کرد. بر همین اساس «ادبیات بازتاب سیمای فرهنگ هر ملت است» (لی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲) و «زن» از مباحث مهم و روز جامعه‌شناسی و از «محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوعاتی است که تقریباً در تمام داستان‌ها، به‌ویژه رمان‌ها نقش دارد». (خیاطان، ۱۳۹۷: ۴۵)

زن یکی از کلیدی‌ترین واژه‌ها در تمام اعصار و ملت‌ها و امت‌هاست که «همواره تاریخی پرماجرا و رنج‌آلود داشته است و فرهنگ‌های جهان، همگی در جهت به‌حاشیه راندن زن حرکت کرده‌اند» (غذامی و عوده‌تبار، ۱۳۹۵: ۹)، «زن در هر نقشی، با احساسات و خویشکاری‌های ویژه خود بر محیط پیرامون خویش و افراد آن تأثیری چشمگیر می‌گذارد و در ایجاد هدایت جریان‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... نقش آفرینی می‌کند.» (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰)؛ نویسندگان زیادی در این زمینه نوشته‌اند و فعالان زن زیادی در این زمینه تلاش نموده‌اند. در این میان، در آثار نویسندگان نامبرده تقریباً زنان، اندیشه‌ها، گرفتاری‌ها، دردسرها، روابط اجتماعی و محرومیت از حقوقشان به بهترین نحو ممکن ثبت شده است.

جنبش‌های زنان در اعتراض به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و تلاش برای به دست آوردن حقوق مدنی خود به ویژه حق رأی، با تأکید بر اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در شکل‌گیری فمینیسم و طلوع آن به حساب می‌آید؛ نهضتی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ م در اروپا و آمریکا ظهور کرد و در عرصه نقد ادبی، حضوری جدی و چشمگیر یافت که البته مرهون نویسندگانی چون «ویرجینیا ولف» (۱۹۴۱-۱۹۸۲) و «سیمون دو بورا» (۱۹۰۸-۱۹۸۶) بود و بعدها نظریه‌پردازان معروف خود را یافت که از شاخص‌ترین چهره‌های آن، «الین شووالتر»، «ژولیا کریستوا»، «آلن سیکسو» و «لوسه ایریگاری» هستند که تأکیدشان بر تفاوت عمیق نوشته‌های زنان و مردان، غیبت امر زنانه از نظام پدرسالارانه زبان و اعتقاد به بازنمایی عریان جنسیت مؤنث و زنانگی در نوشتار است.

۱-۴ - بیان مسأله:

به یقین «ادبیات هر ملّتی، ریشه در اعماق وجود انسان‌های آن مرز و بوم دارد» (رخشنده‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸)، و بر همین اساس برای فهم و شناخت آثار ادبی باید زمینه تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتّی ویژگی‌های فکری و اخلاقی هر دوره را شناخت تا بتوان به درکی صحیح از اندیشه و اثر یک نویسنده یا شاعر دست یافت. بر این اساس «جایگاه زن در هر جامعه‌ای متأثر از فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ از اساطیر، باورهای ملّی، اعتقادات دینی و ادبیات جامعه شکل گرفته است. ادبیات، علاوه بر آن که یکی از عناصر فرهنگی جامعه است و چون آیین‌های تمام‌قد، فرهنگ و شیوه تفکر مردم را نشان می‌دهد؛ در تثبیت باورهای فرهنگی و حتّی فرهنگ‌سازی اهمّیت بسزایی دارد». (بهادری، ۱۳۹۴: ۱۷۷)

رمان‌های متعدّدی اکنون مسائل گوناگون فمینیستی را در نقاط مختلف جهان در قالب ادبی ارائه می‌کنند. شناخت دیدگاه فمینیستی جوامع جهانی با بررسی رمان‌های آنان، یکی از شیوه‌های درک نگرش آنان در این زمینه است. چنانچه چند اثر از این نوع، از چند جامعه مختلف با هم مقایسه شود، مشترکات و تمایزات رویکرد آنها در این زمینه به دست خواهد آمد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، به بررسی عوامل سلطه و شیوه مبارزه زنان با مردسالاری بر اساس دو رمان «عادت می‌کنیم» از زویا پیرزاد و «دفترچه ممنوعه» از آلبا دسس پدس (از دو کشور ایران و ایتالیا) می‌پردازد.

۱-۲ - اهداف تحقیق

تحقیق حاضر در پی نیل به اهداف زیر است:

- تحقیق و تبیین مؤلفه‌های فمینیستی در رمان «عادت می‌کنیم» و «دفترچه ممنوعه».
- مقایسه، تطبیق و تبیین وجوه تشابه و تمایز در رویکرد رمان‌های مورد مطالعه به مؤلفه‌های فمینیستی.

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نشان دادن گرایش‌های فمینیستی مردم در رمان‌های دو جامعه که کوشیده‌اند جایگاه زن را به شیوه‌ای متفاوت نشان دهند و قهرمانان آنها اغلب زنان هستند، موجب آشنایی با طرز فکر و رفتار مردم بخش بزرگی از دنیا در قرن بیستم با «زن» و جایگاه او است. بررسی تطبیقی این مسأله، نزدیکی و دوری افکار مردم بخشی از جهان را در باره موضوع بسیار مهم اجتماعی روشن می‌کند و تأثیر نگرش آنها به این مسأله را در رفتارهای اجتماعی‌شان قابل فهم می‌کند. ضمناً برای مطالعه تأثیر و تأثر ملت‌ها در این زمینه بستر مناسب را فراهم می‌سازد.

۱-۴- روش تحقیق

روش این تحقیق، تحلیل محتوا به شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است.

۱-۵- پیشینه پژوهش

مقاله «نقد تطبیقی دیدگاه فمینیستی سیمون دوبووار، ویرجینیا، ولف و سیمین دانشور در آثار داستانی» (پروین تاج بخش، سیمین فرزاد، ۱۳۹۳) و پایان‌نامه‌های: «بررسی تطبیقی رمان‌های نوال السعداوی و شهرنوش پرسی پور بر مبنای نقد فمینیستی» (ام البنین بارانی، ۱۳۹۵)؛ «بررسی تطبیقی نمود فمینیسم در آثار شهرنوش پرسی پور و مارگریت دوراس» (گلی اشرف مدرّس، ۱۳۸۹)؛ «بررسی مقایسه‌ای رمان خاطرات یک زن معمولی اثر مارگرت فورستر و رمان زنان بدون مردان اثر شهرنوش پرسی پور بر اساس نظرات الین شوالتر»: (پرشنگ صالحی، ۱۳۹۱) آثاری هستند که به بررسی مؤلفه‌های فمینیستی در دو رمان از کشور ایران و دیگر کشورها پرداخته‌اند، اما پژوهشی که مؤلفه‌های فمینیستی را در رمان‌های دو کشور ایران و ایتالیا بررسی کرده باشد، تاکنون انجام نشده است.

۲ - معرفی رمان‌های مورد مطالعه

رمان «عادت می‌کنیم» اثر زویا پیرزاد، قصه سه زن از سه نسل است که خواسته‌ها و تضاد و تقابل میان آنها درونمایه اصلی داستان را می‌سازد و زویا پیرزاد در القای آن به خواننده موفق است.

این رمان، رمانی شخصیت محور است، و شخصیت اصلی در تمام صحنه‌ها حضور دارد. نویسنده با گسترش وقایع و پرداختن به جزئیات، با به چالش کشیدن زندگی آرزو- شخصیت رمان- و گره‌های ذهنی او، صحنه‌های ماندگاری را در ذهن خواننده به جا می‌گذارد.

رمان «دفترچه ممنوعه» روایت زنی ۴۲ ساله به نام «والریا» است که از ۲۰ سالگی فقط در نقش همسر و مادر بوده است و فردیت خود را به عنوان یک انسان از یاد برده است، اما اکنون خسته شده و به دفترچه خاطراتی پناه می‌برد تا بلکه با نوشتن اندکی آرام شود و به دنبال گوشه‌ای دنج و خلوت می‌گردد که بتواند تنها باشد و دست به قلم ببرد. او در آستانه میانسالی درگیر عشقی ممنوع می‌شود و ترس این را دارد که کسی دفترچه او را بخواند.

نویسنده این رمان، آلبا دسس پدس در رم ایتالیا (۱۹۱۱) زاده شد. این رمان «به دلیل شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیاری که ایتالیا با ایران دارد، برای ایرانیان نیز به راحتی قابل درک است. بحران گذر از سنت به مدرنیته، تجربه جنگ، وضعیت اقتصادی، تفاوت نگاه به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی». (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۳۱)

۳ - فمینیسم

مسائل زنان، امروزه یکی از بحث‌انگیزترین مسائل جاری در سطح جهان بوده و توجه کارشناسان، سیاستمداران و دست اندرکاران مسائل جامعه‌شناختی را به خود جلب نموده است. زیرا «نیمی از پیکره اجتماع را زنان تشکیل داده و نقش آنها در رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی مهم است؛ و بسیاری از چرخ‌های اقتصادی، آموزشی و خدمات با دستان توانمند آنها به حرکت درمی‌آید. این واقعیتی انکارناپذیر است و می‌توان گفت عدم حضور زن در برخی مشاغل، می‌تواند به پیکره جامعه صدمه بزند». (ربیع‌نتاج و روح‌الزاده اندواری، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

فمینیسم را می‌توان به عنوان آموزه‌ای که هم از حقوق برابر زنان با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دفاع می‌کند: «فمینیسم، ثنوری و ایده‌ای است که براساس آن، زنان و مردان می‌بایست در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از حقوق مساوی و برابر برخوردار باشند. (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۸) و هم به عنوان یک جنبش اجتماعی سازمان یافته که برای به دست آوردن

حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان شکل گرفته است، در نظر گرفت: «فمینیسم مکتبی است که فرودست بودن زنان را قابل چون و چرا و مخالفت می‌داند و این مخالفت مستلزم بررسی انتقادی موقعیت کنونی و گذشته زنان و چالش با ایدئولوژی‌های مردسالارانه حاکم است که فرودستی زنان را طبیعی، همگانی و اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهد». (آبوت، ۱۳۸۱: ۳۱۱) به گفته «کریس بیسلی» هر برداشت مختصر از فمینیسم احتمالاً به جدل کشیده می‌شود و اساساً فمینیسم، اصطلاحی نیست که بتوان معنای آن را تماماً به دست آورد، بنابراین نمی‌توان این حوزه متکثر و ناهمگون را با تمامی صورتش به واسطه تعریفی موجز به طور عمیق شناخت. بنابراین باید گفت که «نقد فمینیستی به طور کلی به مسائل زنان در معنای وسیعش توجه دارد؛ عقایدی که در متن در مورد زنان یا مردسالاری اظهار شده است، زبان زنانه و این که آیا اساساً بین نوشتن مرد و زن اختلاف است؟ نویسنده زن افکار و احساسات زنان درباره خودشان، نقش زنان در فرهنگ و جامعه، حقوق زنان (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۸۷) و از این قبیل، مواردی هستند که در نقد فمینیستی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

از نظر «رزمی تانگ»^۱، نظریه فمینیستی کلیتی واحد نیست و نظریات یا دیدگاه‌های بسیاری را در بر می‌گیرد که هر یک می‌کوشند توصیفی از ستم بر زنان ارائه دهند و با تبیین علل و پیامدهای آن راهبردهایی برای رهایی زنان از قید آن تجویز کنند. به نظر او نظریه فمینیستی هر چقدر در آمیختن این توصیف و تبیین و تجویز، چیره‌دستی بیشتری به خرج دهد، نظریه بهتری است. (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۵)

رامان سلدن^۲ نیز نقد فمینیستی را نوعی «سیاست فرهنگی» به شمار می‌آورد، نه یک نظریه یا مجموعه‌ای از نظریه‌ها، وی اشاره می‌کند که بعضی نحله‌های فمینیسم اصولاً مایل به پذیرش هیچ‌گونه «نظریه» ای نیستند، دقیقاً به این دلیل که در نهادهای آکادمیک «نظریه» غالباً مردانه و حتی ماچویی^۳ است - بخش انعطاف‌پذیر، مجرد و پیشباز کار فکری، حال آن که بخشی از پروژه عمومی فمینیست‌ها، اشتیاق به افشای غیبت فریبکارانه «علم» مذکر بوده است. اگر چه کثرت‌گرایی و آسان‌گیری موجب شکوفایی نظریه‌های گوناگون است و می‌تواند به رجحان نگرش تجربی بر

^۱ - Rosemarie Tong

^۲ - Roman Selden

^۳ - Macho

نظری منجر شود و اما از سویی دیگر، نوعی عمل‌گرایی پیچیده به لحاظ نظری خطر هضم‌شدن در نظریه مذکر محافل آکادمیک را می‌پذیرد. (ر.ک. سلدن، ۱۳۷۷: ۲۵۵-۲۵۳)

شوالتر^۱، رهیافت‌های فمینیستی را زن-محوری، زن-مرکزی توصیف می‌کند. او معتقد است که همه فمینیسم‌های ادبی در تعهد مضاعف‌شان برای جای‌دادن زنان در مرکز گفتمان‌های نقّادی ادبی، ارزش یکسانی دارند و آن را به عنوان بخشی از یک روند سیاسی وسیع‌تر اجرا می‌کنند. رابینز تجزیه و تحلیل متن را با تجزیه و تحلیل جهان بیرون به عنوان تجربه زنده (خواه تجربه مادی یا روانی) مرتبط می‌داند و نقطه اشتراک همه فمینیسم‌ها را تمرکز بر زنان می‌داند و آن را نیروی عمده جنبش فمینیسم می‌داند. (ر.ک. رابینز، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۵)

لیزا کاسگرو، برای یک پژوهش فمینیستی چند ویژگی ذکر می‌کند: «پژوهش فمینیستی جنس را زیر سؤال می‌برد، فمینیست‌ها از انجام پژوهش توسط زنان حمایت می‌کنند، پژوهش‌های فمینیستی درباره زنان و جنسیت است، پژوهش فمینیستی برای زنان است و...». (کاسگرو، هیو، ۱۳۸۶: ۲۸۹)

۴ - بحث و بررسی

۴ ۴ - بی‌توجهی، خشونت عاطفی بر زنان و تحقیر آنها

در باور فمینیست‌ها، زنان در تاریخ ادبیات، همیشه کم‌اهمیت تلقی شده‌اند و آثارشان از سوی تدوین‌کنندگان تاریخ ادبیات - که غالباً هم مرد هستند - کمتر با آثار نویسندگان مرد، هم‌پایه دانسته شده است و نیز در آثاری که مردان نوشته‌اند، زنان مورد بی‌مهری واقع شده و اغلب دارای نقشی حاشیه‌ای یا منفی بوده‌اند. «همچنین آن‌ها معتقدند که تمدن بشری، مردسالار و تحت کنترل مردان بوده و مفاهیم جنسیت، بر ساخته تمدن مردسالار است؛ چنان که سیمون دوبوار می‌گفت: فرد، زن به دنیا نمی‌آید، بلکه تبدیل به زن می‌شود، به همین سبب، در فرهنگ ما، مذکر با صفاتی هم چون فعال، غالب، دلیر و عاقل تعریف می‌شود و مؤنث با صفات منفعل، تسلیم‌شونده، ترسو، احساساتی و مقید شناخته می‌شود». (صادقی شهپر و طالبی، ۱۳۹۴: ۱۲۵)

^۱ - Elaine Showalter

در مقدمه رمان «عادت می‌کنیم»، خواننده به شکلی نمادین، با توصیف یک اتفاق روزمره که شاید هزاران بار در روز حادث می‌شود، به داستان وارد می‌شود. آرزو که اتومبیلش را به راحتی در جایی پارک می‌کند در حالی که یک پسر جوان، پس از تلاش زیاد، نمی‌تواند در آنجا پارک کند و در همین آغاز داستان یک فضای فمینیستی ساخته می‌شود و خواننده چهره‌ای توانا از یک «زن» در ذهنش پدیدار می‌گردد، اما این توانایی با متلکی از سوی پسر جوان زیر سؤال می‌رود و مسخره می‌شود. (پیرزاد، ۱۳۸۷: ۷)

می‌توان گفت فضای توصیف شده در آغاز داستان نمایش‌دهنده جهان اجتماعی است که شخصیت‌ها در آن پرداخته می‌شوند. اینکه پسر جوان در ابتدای آموزش و یادگیری رانندگی است، بسیار عادی و طبیعی است و این که یک خانم به دلیل تجربه بیشتر، بهتر رانندگی کند بسیار عادی است و به نظر هیچ‌گونه وجه فمینیستی ندارد. اما در جایی از داستان که «آیه» از آزادی مفرط در فضای مجازی برخوردار است، به نظر می‌رسد بیشتر شبیه به آزادی‌های بی‌قید و شرط برخی فمینیسم‌های افراطی است که با این آزادی‌نمایی‌ها می‌خواهند برابری را تجلی کنند.

به کار بردن الفاظ نامناسب هنگام خشم و عصبانیت توسط مرد در مورد همسرش، در خدشه‌دار ساختن روح و روان و در نتیجه، ناراحتی و خشم او بسیار مؤثر است، در واقع زن از نظر شخصیتی مورد تهاجم و بی‌مهری قرار می‌گیرد. در رمان «دفترچه ممنوعه»، والریا در مورد موضوع جنگ اظهار نظر می‌کند و همسرش که از صحبت‌هایش عصبانی شده، در حضور فرزندانشان، لفظ «نفهم» را در موردش به کار می‌برد که موجب ناراحتی و رنجش زن می‌شود: «میشل عصبانی شده می‌گفت که زنها چقدر نفهم هستند. از این که او چنین چیزهایی را در حضور ریکاردو به من می‌گوید خیلی می‌رنجم». (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۰۳)

به علاوه، والریا هنگامی که میشل به خاطر حضور در جبهه‌های جنگ از خانواده‌اش فرسنگها دور بوده، در نامه‌ها به جای عشق و احساس قدردانی، از همسرش بدخلقی و ناسپاسی را دریافت می‌نموده و همسرش همه دلتنگی‌ها و نابسامانی‌های خود را به گردن او می‌انداخته است: «تقریباً تمام نامه‌هایی که او از آفریقا برایم نوشته است پر از سرزنش است، این موضوع را فراموش کرده

بودم و با خواندن نامه‌ها و با یادآوری آن خیلی تعجب کردم. دوری خود را از وطن و خانواده به گردن من می‌گذاشت که نسبت به او باوفا نیستم، این را تقصیر جنگ می‌دانستم». (همان: ۲۳۱)

۴ ۴ تبعیض جنسیتی

مبارزه برای رفع مظالم در حق زنان با شالوده‌های اسلامی و سنتی را می‌توان (نهضت زنان مسلمان) نامید. در عصر جدید، نهضت ایرانی زنان به منزله بازتابی در برابر فمینیسم پدید آمده، هرچند دل مشغولی اولی آنها بهبود موقعیت زنان در جوامع اسلامی و ایرانی بوده است و کاملاً روشن نیست که این جنبش براساس مبانی ایرانی بوده یا براساس ایدئولوژی فمینیستی تحت پوشش ایرانی و تمایز این دو جریان، به راحتی ممکن نیست. گرچه شمار بسیاری از زنان تحت تأثیر افکار فمینیستی، و اعتقاد دارند که هر دو مکتب خواهان برابری مطلق زن و مرد در حقوق و همه تفاوت‌های مبتنی بر فمینیسم است که در فقه اسلام و حقوق ایران با تغییر سنتی آن وجود دارد.

گروهی از مردان، زنان را فاقد توانایی‌های لازم برای انجام بعضی از کارها می‌دانند. این گروه کارها را به مردانه و زنانه تقسیم می‌نمایند و کارهایی را که نیاز به قدرت فکری و جسمی بیشتری دارد، مناسب زنان نمی‌دانند. و حتی در بعضی از خانواده‌های مردسالار، زنان را از انجام این امور باز می‌دارند. در حالی که زنان همواره ثابت کرده‌اند که اگر بخواهند و علاقه‌مند باشند، می‌توانند کارهای دشوار را انجام دهند. در رمان «عادت می‌کنیم»، آرزو نیز در این زمینه مورد قضاوت کسبه و دوستان پدرش قرار می‌گیرد. آن‌ها معتقد بودند که او نمی‌تواند از پس کارهای آژانس معاملاتی مسکن بربیاید و حتی او را مورد تمسخر قرار می‌دادند. اما آرزو با سخت کوشی و اراده تمام، علی‌رغم بدهکاری‌هایی که در زمان مدیریت پدرش به وجود آمده بود، به کمک دوستان و همکارانش که بیشتر آنان را زنان تشکیل می‌دادند توانست آژانس مسکن را همچنان فعال و کارا حفظ کند. (پیرزاد، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۰)

گاهی مخالفت با زن، تنها به علت زن بودن طرف مقابل انجام می‌شود و نگاه جنسیتی در محیطی که مردسالاری در آن جریان دارد، امری بدیهی است. در رمان «دفترچه ممنوعه»، اختلاف عقیده و مخالفت مکرر ریکاردو با خواهرش میرلا، تنها به دلیل زن بودن او است. زیرا از دیدگاه او

خواهرش به خاطر بهره‌مندی از تحصیلات و شغل و درآمد، مستحق بدرفتاری و خشونت است: «آن‌ها هر دو بچه‌های من هستند و هر وقت با یکدیگر دعوا می‌کنند، مثل این است که در داخل وجود من هم کسی دارد جنگ می‌کند ولی اغلب ریکاردو فقط به استدلال این که او زن است با او مخالفت می‌کند». (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۰۵)

در این رمان، تبعیض جنسیتی بین فرزندان نیز دیده می‌شود، تبعیض قائل شدن میان دختران و پسران، فرزندان آن خانواده را علی‌رغم علاقه باطنی به یکدیگر، نسبت به هم حساس می‌کند. میرلا شاهد کار و تلاش خود و مادرش در محیط خارج از خانه است، اما این‌که بخواهد در خانه خودشان از برادرش پذیرایی کرده و کارهایش را به جای او انجام بدهد، موجب ناراحتی او شده و به این تبعیض و نابرابری اعتراض می‌کند.

«بشقابی را از املت و سیب زمینی پر کردم و به او گفتم برای برادرش ببرد. او گفت: مگر خودش نمی‌تواند بیاید و بشقاب غذایش را بردارد؟ الان صدایش می‌کنم. با خشونت به طرفش برگشتم و گفتم: اطاعت کن. ریکاردو خسته است تمام روز را درس خوانده.

دخترم یک مرتبه گفت: و تو؟ تو مگر همه روز را کار نکرده‌ای؟ و من؟ مگر همه روز را کار نکرده‌ام؟ ولی به هر حال بشقاب غذای او را برایش برد. وقتی برگشت گفت: «ماما همین است که مرا دیوانه می‌کند، تو خیال می‌کنی مجبور هستی که خدمت همه را بکنی. آن‌ها هم رفته رفته این موضوع باورشان شده است. تو خیال می‌کنی که برای یک زن اگر رضایت خاطری جز کار خانه و آشپزخانه وجود داشته باشد گناه است. خیال می‌کنی تنها وظیفه یک زن کلفتی است. من نمی‌خواهم این طور باشم، می‌فهمی؟ نمی‌خواهم». (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۱۵۹-۱۶۰)

۴ ۴ - سنت ستیزی

در رمان «عادت می‌کنیم»، شخصیت «آرزو» شخصیت زنی توانا و صبور و زحمتکش است. او مجسمه‌ای را که «تا آخر دنیا باید این چراغ بی ریخت را به دوش بکشد» (پیرزاد، ۱۳۸۷: ۱۴۴)، می‌فهمد. آرزو که تمام زندگیش را باخته است می‌خواهد برای یکبار هم که شده «یک چیز را فقط برای خودش نگه دارد». (همان: ۲) اما در این حین خود را درگیر جهانی می‌بیند که با خواسته‌هایش

در تضاد است. او نمی‌داند و فکر می‌کند که «حق با آیه است یا من؟». (همان: ۱۴۵) گرچه تقریباً هیچ کدام از شخصیت‌های زن داستان «سنتی» نیستند، اما همچنان از پس ذهن خود با ازدواج مجدد آرزو مخالفت می‌کنند. آن‌ها نیز همچنان آرزو را قبل از آنکه یک انسان بدانند و برای او «حق زندگی» قائل باشند، او را یک «مادر» می‌دانند که باید برای حفظ «تقدّس نقش مادریش»، وجود و خواسته‌های خود را کنار بگذارد و این تصوّر کلیشه‌ای از نقش‌های زنانه است که آرزو را در برزخ «من»ی که می‌خواهد باشد و «من»ی که باید باشد به دام می‌اندازد.

و در اینجا این نویسنده است که تقریباً پایان سرنوشت شخصیت آرزو را به خواننده واگذار می‌کند. و کاملاً روشن نمی‌سازد که آرزو دقیقاً به کدام وضعیت «عادت می‌کند» آیا او به چهره و نقشی که در این جامعه از او می‌خواهد تن می‌دهد؟ یا راهی را انتخاب می‌کند که در آن «آرام» باشد و کمی هم خودش را دوست بدارد؟ آیا این آرزوست که باید عادت کند و یا به گفته «سهراب» این مادر و دخترش هستند که بالاخره عادت می‌کنند؟ آیا این آرزوها هستند که سرانجام در زیر سایه سنگین افکار کلیشه‌ای، از «خود» پس می‌کشند؟ و یا این جامعه است که خود را با «افراد» همگام می‌کند و به تدریج دگرگون می‌شود؟

در رمان «دفترچه ممنوعه» نیز «میرلا» در برابر افکار و عقایدی قدیمی که مانع رسیدن او - به آنچه که برنامه‌ریزی کرده است - می‌شود ایستادگی می‌کند و خواستار قوانین جدید و چشم اندازه‌های نو برای زنان و زندگی می‌باشد. نگاه او به زندگی و جایگاه زن بر خلاف مادرش است: «گفت که من به عقایدی بسته شده‌ام که خودم هم دلیلش را نمی‌دانم، من حاضر نیستم عذاب چیزی را که نمی‌فهمم و قبول ندارم بکشم و آن را به زور قبول کنم.» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

۴ - استفاده ابزاری از زن

در رمان «عادت می‌کنیم»، «آرزو» که خسته و کلافه است از جانب دوستش پیشنهادی دریافت می‌کند تا با همراه شدن با مردی بتواند احساس آرامش و امنیت کند، زیرا شیرین احساس می‌کند کار زیاد و نداشتن کسی که به او ابراز محبت کند و مراقبش باشد، در زندگی «آرزو» کم است: «چرا نمی‌فهمی؟ احتیاج به کسی داری که با قربان صدقه رفتن و دوستت دارم و گل آوردن و از این جور

دروغ‌ها و نُثر بازی‌ها آرامت کند. همین. به دلم برات شده این آقا، آسپرین فرد اعلاست». (پیرزاد، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵)

در مان «دفترچه ممنوعه» نیز، همسر والریا به وضوح کلارا را از جهت اجتماعی، زیبایی و جوان بودن می‌ستاید و همسر خود را نادیده می‌گیرد. و این موجب حسادت پنهانی و رنجش زن می‌شود. (ر.ک. دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۲۰۱)

۴ ه - استقلال طلبی

یک زن پس از جدایی از همسرش، روزهای بسیار سختی را سپری می‌کند. اگر دارای مشکلات مالی نیز باشد، آنگاه سختی‌های زندگی قطعاً برایش دو چندان خواهد شد. بسیاری از زنان پس از گذراندن دوران سوگواری، تصمیم می‌گیرند تا برای بقا و ادامه زندگی خود و فرزندانشان تلاش بیشتری داشته باشند تا بتوانند استقلال مالی خود و خانواده را حفظ نمایند. در مان «عادت می‌کنیم»، خانم سرمدی پس از گذراندن دوران سخت و طاقت فرسا به کمک فرزندانش توانسته است زندگی مستقلی را فراهم کند و از هنر آشپزی خود جهت رسیدن به اهدافش استفاده بهینه نموده و از این طریق هم بدهی‌های همسرش را بپردازد و هم زندگی آبرومندی را به وجود بیاورد. (ر.ک. پیرزاد، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

در مان «دفترچه ممنوعه»، والریا که یک زن شاغل با تمکن مالی متوسط است، در جمع مرفه و خوشگذران دوستانش، اگر چه از نظر مالی با آنها برابری نمی‌کند اما صاحب درآمد بودن، اعتماد به نفس را در او به اندازه‌ای بالا می‌برد که دیگر در برابر اطرافیانش چندان احساس کمبود نخواهد کرد: «من جواب دادم که کار خوبی دارم و از آن راضی هستم، کار پر زحمتی است و حقوقم هم کافی است و من با کمال میل کار می‌کنم. اما حس می‌کردم که حرف‌هایم را باور نمی‌کنند. دلیل دیگری که نمی‌توانم جولیانا و دیگر دوستانم را در کنارم حس کنم آن است که من روی پای خود ایستاده‌ام و به کسی تکیه ندارم.» (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۳۷)

۴ ۶ - دغدغه‌های زنان شاغل

تقسیم کار میان مردان و زنان به نحوی نیست که موجبات رضایت زنان را فراهم کند و این دور از انصاف است که زن در خارج از خانه کار کند و درآمدش در خانه هزینه شود و علاوه بر آن در خانه نیز تمام امور و وظایف را به عهده داشته باشد. در رمان «عادت می‌کنیم»، شیرین زنی است که با وجود بارداری آن هم در ماه‌های آخر، مجبور به کار کردن در خانه و خارج از خانه است. (ر.ک. پیرزاد، ۱۳۸۷: ۲۴۱) همچنین مجبور است در تالار عروسی، کودکش را همراهش آورده تا در شیفت کاری شب کنارش باشد. (همان: ۲۲۵)

اینکه یک مرد و زن پس از اتمام ساعت کاری با هم به خانه مراجعه کنند، مرد شروع به استراحت کرده و زن کار در خانه و آشپزخانه را آغاز کند، دور از انصاف است. در رمان «دفترچه ممنوعه»، این تبعیض و بی‌انصافی را والریا درک می‌کند و آزارش می‌دهد: «میشل از اداره بر می‌گردد و مشغول روزنامه خواندن می‌شود، روی مبلی می‌نشیند و به موزیک گوش می‌کند و اگر دلش بخواهد می‌تواند فکر کند، من برعکس وقتی از اداره مراجعت می‌کنم باید یک راست به آشپزخانه بروم، گاهی اوقات همان طور که با عجله مشغول کار کردن هستم می‌پرسد: ناهار حاضر است؟ می‌خواهی به تو کمک کنم؟

در حقیقت اگر او بخواهد در وظایف زنانه مثلاً آشپزی به من کمک کند که خجالت می‌کشم، گرچه او هرگز از اینکه کسی در «وظایف مردانه» و تهیه پول برای تأمین معاش به او کمک کند ناراحت نمی‌شود». (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۹۱)

۴ ۷ - عدم حمایت روحی

وقتی یک زن علاوه بر مسئولیت خانه و بچه‌داری، شاغل است و یا تحصیل می‌کند، وظیفه مرد همراهی با اوست تا زن بتواند این دوره‌ها را با آرامش بیشتری طی کند. در صورت عدم حمایت روانی، زن دچار خستگی جسمی و روحی خواهد شد. در رمان «عادت می‌کنیم»، آرزو نیز درست در زمانی که نیاز به حمایت و همراهی همسرش حمید داشته است، تنها و خسته رها می‌شود و علاوه بر عدم همکاری، پاسخگویی توقعات زیاد او نیز نبوده است، بنابراین چاره‌ای جز ترک همسر

و زندگی برایش باقی نمی‌ماند: «حلقه‌ ازدواج را از انگشت درآورد گذاشت روی کاغذ و یک دستش دست آیه و یک دستش چمدان از خانه بیرون رفت. تمام مدت پرواز به ایران، توی هواپیما به سبد رخت چرک فکر کرد با جوراب‌های صد در صد کتان و لب به هم فشرد. به انگشت بی حلقه‌اش نگاه کرد و فکر کرد «عجب خری بودم»». (پیرزاد، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۲۱)

در محیطی که مردان آن دارای اهمیت بیشتری هستند، یک زن برای پیشرفت و برخورداری از حقش باید تلاش فراوانی از خود نشان بدهد. در چنین محیطی گاه دختر حتی از جانب مادرش نیز مورد بی‌مهری و عدم حمایت لازم قرار می‌گیرد، زیرا؛ اختلاف عقیده، اختلاف در سطح تحصیلات و از همه مهم‌تر اختلاف بین نحوه و سبک پرورش مادر و دختر در این گونه تنش‌ها تأثیرگذار می‌باشند. در رمان «دفترچه ممنوعه»، میرلا نیز در بعضی موارد از سوی مادرش مورد حمایت واقع نمی‌شود و عدم درک دختر توسط مادر بر ناراحتی و خشم دختر می‌افزاید: «من بعد از سال‌ها توانستم بر ضعف خود نسبت به کتاب پیروز شوم در حالی که او از کتاب نیرو می‌گیرد». (دسس پدس، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

۴ A - نادیده گرفتن حقوق انسانی

گاهی زنان هنگامی که در موردی ذینفع هستند، نادیده گرفته می‌شوند و صدایشان شنیده نمی‌شود. در رمان «عادت می‌کنیم»، «آرزو» و مادرش که صاحبخانه هستند از طرف بنایی که در خانه‌شان در حال انجام خدمات تعمیراتی است، نادیده گرفته می‌شوند و به خواسته‌شان توجهی نمی‌شود. «ماه منیر» به عنوان صاحبخانه و کارفرما از تصمیم قبلی خود در رابطه با طراحی باغچه منصرف می‌شود، اما بنا که فقط از «آقای مهندس» اطاعت می‌کند، به تصمیم جدید زن صاحبخانه بی‌اعتنایی نموده و حتی به تذکرات «آرزو» نیز توجهی نمی‌کند اگرچه در نهایت «آرزو» هر چه را که بنا و کارگر ساخته بودند با خشم و عصبانیت ویران می‌کند. (ر.ک. پیرزاد، ۱۳۸۷: ۵۷-۵۸).

در رمان «دفترچه ممنوعه»، جدی نگرفتن مادر خانواده و حقوقی که برایش در نظر گرفته نمی‌شود و بیان این مسأله حتی در قالب شوخی، روح والریا را می‌رنجانند، والریا دلش می‌خواهد مانند سایر اعضای خانواده برای خودش خلوتی داشته باشد اگرچه اندیشیدن در خلوت باشد. یک

راز هر چند کوچک که فقط متعلق به خودش باشد، حقوقی که دیگر اعضاء خانواده از جمله همسر و فرزندان، از آن برخوردارند: «برای مدت چند ثانیه تصمیم گرفتم که بگویم من حق دارم هر چند تا یادداشت بخواهم داشته باشم و هر وقت هم دلم خواست آنها را بنویسم». (دسس پدس، ۱۳۹۷:

(۱۴

نتیجه‌گیری

نویسندگان فمینیست همواره در صدد بوده‌اند تا دغدغه‌ها و تنش‌های زنان را از منظرهای مختلف به مردم نشان بدهند. آنان دردها و رنج‌هایی را که سال‌ها گریبانگیر زنان بوده است با نوشته‌های خود به چالش کشیده و سعی می‌کنند تا با جلب توجه افراد یاریگر و متخصصان منصف از این مشکلات و دغدغه‌ها بکاهند.

دفاع از حقوق زن موضوعی است که در هر کدام از این رمان‌ها به آن پرداخت شده است. هر چند شاید نتیجه دلخواه و مثبتی در پی نداشته است، اما می‌شود یک گام بزرگ برای تحقق دیگر آرمان‌ها تلقی کرد. بی‌توجهی همسر و فرزندان، که زحمات زنان را در محیط بسته منزل بی‌اجر و بی‌بها می‌کند و به زنان حس بی‌ارزش بودن می‌دهد. حسّی که منجر به نادیده گرفته شدن زنان از سوی افراد خانواده و در مقطع بالاتر در محیط اجتماع نیز می‌شود. خشونت کلامی و عاطفی علیه زنان، در این دو کتاب بیداد می‌کند.

وجوه تشابه و تمایز رمان‌های «عادت می‌کنیم» و «دفترچه ممنوعه» در رویکرد فمینیستی بر آن است که زنان به مثابه اقشار ضعیف‌تر یا به تعبیر فمینیسم‌ها «جنس دوم» مورد ظلم از سوی خانواده و جامعه شده است و به صورت مشترک افراد مظلوم برای احقاق حقوقی انسانی و زنانه خود با چنگ و دندان تلاش می‌کنند. اما از وجوه افتراق، تغییر و تفاوت در نوع دغدغه‌ها و اختلافات بین آنها است. یکی برای امرارمعاش و شغل خود چون آرزو تلاش می‌کند و دیگری برای احقاق حقوق مادری و همسری خود در منزل کوشش دارد.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابنامه

- ۱- آبوت، پاملا و والاس کلر، (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ۲- تانگ، رزمی، (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ۳- غدامی، عبدالله و عوده‌تبار، هدی (۱۳۹۵)، *زن و زبان*، چاپ دوم، تهران: گام نو.
- ۴- پارسی‌نژاد، کامران، (۱۳۸۲)، *فمینیسم ادبی در غرب*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- پیرزاد، زویا، (۱۳۹۷)، *عادت می‌کنیم*، تهران: مرکز.
- ۶- دس‌پدس، آلبا، (۱۳۹۷)، *دفترچه ممنوعه*، ترجمه بهمن فرزانه، تهران: سرایش.
- ۷- رایبیز، روت، (۱۳۸۹)، *فمینیسم‌های ادبی*، ترجمه احمد ابو محبوب، تهران: افراز.
- ۸- سلدن، رامن و پیتر، ویدوسون، (۱۳۷۷)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- ۹- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، *نقد ادبی*، چاپ سوم، تهران: میترا.

ب: مقالات

- ۱۰- بهادری، محمدجلیل، (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه زن در جامعه‌ی سنتی ایلام با نگاهی به مثنوی «والیه»»، فرهنگ ایلام، دوره شانزدهم؛ شماره ۴۶ و ۴۷، صص: ۱۷۵-۱۸۷.
- ۱۱- جمشیدی، محمدحسین؛ زنگنه، پیمان، (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای دیدگاه جریان‌های اندیشه اسلامی معاصر و فمینیسم، در مورد نقش و جایگاه زنان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص: ۳۹-۷.

- ۱۲- خیاطان، لیلا، (۱۳۹۷)، «بررسی مطالبات زنان در آثار داستان‌نویسان زن از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»؛ فصلنامه پژوهشنامه ادبیات داستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، سال هفتم، شماره ۲۵؛ زمستان ۱۳۹۷، صص: ۳۷-۴۹.
- ۱۳- ربیع‌نجاج، سیدعلی اکبر؛ روح‌اله‌زاده اندواری، عالییه، (۱۳۸۹)، «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۶، صص: ۱۴۵-۱۶۸.
- ۱۴- رخشنده‌نیا، سیده‌اکرم؛ شعبانی‌چافجیری، هادی و گیاه‌بان، سهیلا، (۱۳۹۶)، «زنان، آسوه‌های پایداری در دو رمان باکثیر و حسین فتاحی» نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال نهم، شماره شانزدهم، صص: ۱۳۷-۱۵۹.
- ۱۵- سلیمانی، بلقیس، (۱۳۸۰)، «گفتگوی محمدخانی با بهمن فرزانه و بلقیس سلیمانی و سید محمد حسینی»، کتاب ماه و ادبیات و فلسفه، صص: ۳۰-۳۵.
- ۱۶- صادقی شهرپر، رضا؛ فاطمه، طالبی، (۱۳۹۴)، «نقد فمینیستی نمایشنامه‌های بهرام بیضایی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱۹، صص: ۱۲۳-۱۴۸.
- ۱۷- کاسگرو، لیزا؛ مورین مک هیو، (۱۳۷۶)، پژوهش زنان: روش‌های فمینیستی، ترجمه ابوالقاسم‌پور رضا، مندرج در فمینیسم‌ها و دیدگاه‌ها به تنظیم شهلا اعزازی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ص: ۲۸۹.
- ۱۸- لی، سوادو؛ نیکویخت، ناصر؛ بزرگ‌بیگدلی، سعید و قبادی، حسینعلی، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی و تحلیلی جایگاه و نقش زن در مقام مادر و همسر در رمان معاصر ایران و سنگال (با تأکید بر دو رمان شوهرآهوخانم و نامه‌ای بسیار طولانی)»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۶؛ شماره ۲، صص: ۱-۲.
- ۱۹- یزدان‌منش، وفا و بیات، علی، (۱۳۸۳)، «زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۳، صص: ۸۳-۱۰۲.